

مناسبات دین و دولت

در دوران پادشاهان شیعی "اوده" هند؛

زمینه‌های تاریخی - سیاسی، شرایط عینی، مناسبات عملی

سیدحسن ابوصالح*، علی‌رضا نائیج**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۲/۷

تاریخ تأیید: ۱۳۹۷/۶/۲۶

چکیده

هم‌زمان با انقراض پادشاهی صفویان، حکومت شیعی "اوده" به‌نحو رسمی در هند شکل گرفت. تعامل علما با حکومت در شرایطی صورت می‌پذیرفت که جامعه‌ی شیعی هند با سه چالش: استعمار خارجی، تنازعات درون دینی و مذهبی (در قالب نظریه‌ی امامت - خلافت)، و نحوه‌ی تعامل علمای شیعه با حکومت شیعی اوده روبه‌رو بود. در مواجهه با استعمار، هر دو گرایش جهان اسلام با رویکرد انقلابی، اقدام به بازیابی هویت دینی کردند؛ در تقابل اندیشه‌ی امامت شیعی و خلافت سنی، تحلیل محتوایی و استدلال به منابع اهل سنت در راستای اثبات امامت شیعی را دنبال نمودند؛ و در زمینه‌ی مناسبات علمای شیعی و حکومت، الگوی سیاسی شیعه، نظام امامت و ولایت بود و مشی عملی علما با سلاطین شیعی نیز با تأکید بر همگرایی و همکاری و با محوریت رویکرد سیاسی اصلاحی در مناسبات اجتماعی و سیاسی صورت پذیرفت.

واژه‌های کلیدی:

حکومت شیعی اوده، استعمار، نظام امامت، نظام خلافت، سلطنت شیعی.

* عضو هیأت علمی دانشگاه ارومیه و عضو انجمن مطالعات سیاسی حوزه:

(sh.abousaleh@urmia.ac.ir)

** دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل و عضو انجمن مطالعات سیاسی حوزه:

(alireza128@gmail.com)

سیاست متعالیه

- سال ششم
- شماره بیست‌ودوم
- پاییز ۹۷

مناسبات دین و دولت
در دوران پادشاهان
شیعی "اوده" هند؛
زمینه‌های تاریخی -
سیاسی، شرایط عینی،
مناسبات عملی
(۱۳۱ تا ۱۴۸)

طرح مسأله

سرزمین هند به دلیل سیطره‌ی استعمار، که هم‌زمان با گسترش دولت مرکزی گورکانی بوده است، دست‌خوش آشفتگی‌های اجتماعی و اعتقادی قرار گرفته و این معضل سبب بروز شکاف‌هایی در این کشور شده است. مهم‌ترین مسأله در این میان، تأثیرات استعمار بریتانیا بر زندگی مسلمانان به‌ویژه شیعیان در شمال هند بوده است. جامعه‌ی اسلامی هند، اعم از شیعیان، اهل سنت و انشعابات درون‌مذهبی مانند خوجه‌ها، به‌رغم گستردگی‌شان در ساختارهای سیاسی و دینی در برابر استعمار مقاومت کرده‌اند؛ نمونه‌ی این مقاومت‌ها را می‌توان در اقدامات شاه ولی‌الله و شاه عبدالعزیز دهلوی (به‌عنوان نخبگان اهل سنت) و سید دلداری علی نصیرآبادی و سلطان‌العلماء در مبارزه با استعمار مشاهده نمود؛ هم‌چنین می‌توان از شکل‌گیری پادشاهی شیعی در اوده و قیام ۱۸۵۷ میلادی به‌عنوان نمونه‌ای از اقدامات ضداستعماری جامعه‌ی مسلمانان هند یاد کرد.

افزون‌بر نفوذ استعمار و وحدت عملکردی جریانات اسلامی در مبارزه‌ی با آن، شیعیان هند با مسأله‌ی دیگری نیز روبرو بوده‌اند. حملات فرقه‌های اسلامی به مبانی اعتقادی شیعه و نوع تعامل علمای شیعه با پادشاهان اوده، مهم‌ترین پدیده‌های آن دوره می‌باشند. سوال اصلی نوشتار حاضر این است که مناسبات عالمان شیعی - با اعتقاد به نظام سیاسی امامت - و پادشاهان شیعی اوده به‌عنوان حاکمان سیاسی چگونه بوده و این مناسبات متأثر از چه شرایطی شکل گرفته است؟ وجود سه چالش در فضای گفتگویی: ۱. چالش نظریه‌ی ولایت و سلطنت، ۲. چالش استعمار بریتانیا، و ۳. چالش نظریه‌ی امامت و خلافت از فرضیات این نوشتار است.

چارچوب نظری

پژوهش حاضر درصدد تبیین مناسبات دین و دولت در یک جامعه‌ی هدف، در دو بعد ذهنی و عینی است و سعی می‌کند در چارچوب گفتمان‌های مسلط در جهان اسلام، مسأله‌ی یادشده را تبیین کند. در تاریخ اندیشه‌ی سیاسی اسلامی یکی از گفتمان‌های جاری، "گفتمان سیاسی اصلاحی" است؛ در این چارچوب، اندیشه‌ها و رفتارها طبق شرایط و مقتضیات مکان و زمان تغییر پیدا نمی‌کنند و

سیاست متعالیه

- سال ششم
- شماره بیست و دوم
- پاییز ۹۷

مناسبات دین و دولت
در دوران پادشاهان
شیعی "اوده" هند؛
زمینه‌های تاریخی -
سیاسی، شرایط عینی،
مناسبات عملی
(۱۳۱ تا ۱۴۸)

ضمن اصرار بر اجرای احکام دینی، هم‌گرایی با نظام سلطنت وجود دارد؛ این امر به معنای مشروعیت بخشیدن به این نوع نظام نیست (لک‌زایی، ۱۳۸۶: ۵۷). لذا عمل سیاسی به تبع حیات سیاسی، امری متغیر است؛ اما به دلیل ابتدای برآمده‌های دینی، پایبند اصول ثابتی می‌باشد. نظام معنایی در اندیشه‌ی شیعه بر بنیان امامت استوار بوده و نظام امامت در تقابل با نظام‌های خلافت و سلطانی، در صدد تبیین و استوارسازی نظام معنایی خویش است. اندیشه‌ی اصلاحی متعلق به زمانی است که فقها با وجود قدرت‌های حاکم - که متمایل به کناره‌گیری از قدرت سیاسی نیستند - قدرت کافی برای تشکیل حکومت برپایه‌ی احکام اسلامی را ندارند؛ بنابراین به بیان اندیشه‌ی خویش جهت اصلاح نظام موجود برپایه‌ی مشروعیت دینی می‌پردازند. این اندیشمندان، همکاری با ظلم را نامشروع می‌دانند؛ زیرا مشروعیت الهی ندارند. به عبارت دیگر، تلاش آن‌ها جهت اجرای حکومت اسلامی حداقلی است.

۱. چالش علما و سلطنت شیعی: همگرایی اصلاحی

تشیع در هند طی چهار دوره‌ی: پادشاهی بهمنی‌ها، دوره‌ی مغول، کشمیر و حکومت اوده گسترش پیدا کرده است (هالیستر، ۱۳۷۳: ۱۱۲).

الف. منطقه‌ی دکن در جنوب هند واقع شده و دولت‌های بهمنیان، قطب‌شاهیان، عادل‌شاهیان و نظام‌شاهیان در این منطقه حکمرانی کرده‌اند (جعفریان، ۱۳۸۷: ۵۷۱). محمد گاوآن (۸۱۳-۸۸۶) در دولت بهمنی، شاه طاهر حسینی (۸۸۰-۹۵۲) در دولت نظام‌شاهی و میرمؤمن استرآبادی (۹۹۳-۱۰۳۲) در دولت قطب‌شاهی، سه شخصیت مهم تشیع هستند که در این منطقه حضور داشته‌اند (باسورث، ۱۳۸۱: ۶۰۵).

ب. منطقه‌ی دهلی، آگره و لاهور از جمله‌ی مناطقی هستند که شیعیان در زمان مغولان هند با کمک سلسله‌ی صفویان به قدرت رسیدند.

ج. منطقه‌ی لکنهو نیز مرکز سلاطین شیعی اوده بوده است.

د. منطقه‌ی کشمیر نیز پس از سفر سید علی همدانی به همراه ۴۰۰ تن از سادات همدان، به منطقه‌ای شیعه‌نشین تبدیل شد.

با انحطاط پادشاهان شیعه‌مذهب به دست "اورنگ زیب" در منطقه‌ی دکن، حکومت شیعی دیگری در شمال هند به قدرت دست یافت (هالیستر، ۱۳۷۳: ۱۷۲) که

قلمرو حکمرانی این پادشاهی، در منطقه‌ی اوده به پایتختی لکنهو بوده است. حاکمان منطقه‌ی اوده، ایرانی‌تبار بوده و در زمان سلطنت "شاه سلطان حسین صفوی" به هندوستان مهاجرت کرده‌اند. در سال ۱۷۲۲ میلادی "محمدشاه گورکانی" - امپراتور وقت دهلی - "میرمحمد امین" را که به سعادت‌خان شهرت یافته بود، به حکومت اوده منصوب می‌کند (ابوالحسنی، ۱۳۸۳: ۹۷). ایالت اوده، تابع امپراتوری تیموری بود و از حاکمان آن به‌عنوان نواب وزیر یاد می‌شد. به‌دنبال افول کمپانی هند شرقی و شکست در جنگ بوکسار (Battle of Buxar)، فرصتی برای استقلال‌طلبی و شکل‌گیری سلسله‌ی سلاطین شیعی اوده ایجاد شد. در سال ۱۸۱۹ میلادی (در برخی از منابع ۱۸۱۴ میلادی) غازی‌الدین حیدر - هفتمین نواب اوده - تاج‌گذاری کرد و خود را سلطان اوده خواند (Abbas Rizvi, 1986: 81-83).

هرچند نواب اوده توانستند حکومت تشکیل دهند، اما چالش‌هایی به‌وجود آمد و تنگناها و موانع بسیار جدی‌ای را در مقابل این حکومت شیعی قرار داد. شکل‌گیری حکومت اوده، سه مرحله را پشت سر گذاشت (Cole, J.R.I, 1988: 45-46). در مرحله‌ی اول، گورکانیان هند با انتصاب فرمان‌داران شیعه‌ی ایرانی به تثبیت قدرت خود در این منطقه پرداختند. مرحله‌ی دوم، تثبیت حکومت در مرزهای داخلی و تقابل با نیروهای خارج از منطقه اوده بوده است که در قالب نخبگان سیاسی اهل سنت و دیگر طبقات مذهبی مانند هندوها تعریف می‌شدند. در مرحله‌ی سوم، با مداخله‌ی کمپانی هند شرقی و تلاش‌هایی آن‌ها در ایجاد تنش بین مسلمانان روبه‌رو هستیم.

ادوار سلطنت در اوده

دوران حکومت و سلطنت در اوده به دو دوره تقسیم می‌شود: «دوره‌ی حکومت نواب وزیر اوده» و «دوره‌ی سلطنت پادشاهان اوده». شکل‌گیری حکومت و اداره‌ی متمرکز اوده در زمان محمدشاه گورکانی - امپراتور دهلی - در سال ۱۷۲۲ میلادی پایه‌ریزی شد (ابوالحسنی منذر، ۱۳۸۳: ۹۸). حاکمان به‌عنوان وزیران امپراتوری در اوده حکمرانی می‌کردند؛ اما در سال ۱۸۱۹ میلادی هفتمین نواب اوده رسماً تاج‌گذاری کرد و سلسله‌ی پادشاهی اوده را به‌وجود آورد.

نواب اوده

۱. میرمحمد امین نیشابوری (۱۱۳۵-۱۱۵۲ ق/ ۱۷۲۲-۱۷۳۹ م). وی یک ایرانی اهل نیشابور و بنیان‌گذار پادشاهی اوده است. محمدشاه به شکرانه‌ی یاری در جنگ با سادات بارهه، به وی لقب "سعادت‌خان" را داده و ایالت اوده را به وی واگذار می‌نماید (ضابط، ۱۳۸۴: ۹۸). سعادت‌خان در جنگ کرنال مجروح شد و به اسارت نادرشاه درآمد و در روز اشغال دهلی از دنیا رفت (هالیستر، ۱۳۷۳: ۱۷۳).

۲. میرزا محمد مقیم ابوالمنصورخان (۱۱۵۲-۱۱۶۸ ق/ ۱۷۳۹-۱۷۵۴ م). محمد مقیم مشهور به "منصورعلی‌خان"، جانشین سعادت‌خان است. وی اولین نواب وزیر ایالت اوده بود و از وی به‌عنوان یک شیعه‌ی پارسا و مقید به آداب تشیع یاد شده است. وی توسط محمدشاه به‌عنوان حاکم ایالت اوده منصوب شد (Abbas Rizvi, 1986: 57). وی بعدها از مقام وزارت خلع گردید و به اوده بازگردانده شد.

۳. میرزا جلال‌التین حیدر شجاع‌الدوله (۱۱۶۸-۱۱۸۹ ق/ ۱۷۵۴-۱۷۷۵ م). وی فرزند "صفدر جنگ" و دومین نواب وزیر اوده است. در دوره‌ی حکومت وی، انگلیس با هم‌دستی بومیان بنگال، سراج‌الدوله را در جنگ "پلاسی" به‌سختی شکست می‌دهند و از این زمان تسلط انگلیس بر بنگال کامل می‌شود (میر شریفی، ۱۳۸۷: ۲۳۲). در دوره‌ی نخست حکومت، شجاع‌الدوله با "احمدشاه درانی" با هدف دفع مهاراته‌ها که با حاکمیت اسلامی هند مخالف بودند، هم‌دست شد (منظورالاجداد، ۱۳۸۸: ۹۸). از مشخصات این دوره می‌توان به گسترش مناسبات نواب اوده با کمپانی هند شرقی و با "لرد هیستینگز" - حکمران کل هند - اشاره کرد (هالیستر، ۱۳۷۳: ۱۷۶).

۴. میرزا یحیی آصف‌الدوله (۱۱۸۹-۱۲۱۲ ق/ ۱۷۷۵-۱۷۹۷ م). وی در اولین اقدام خود، مرکز ایالت را به شهر "لکنهو" انتقال داد. حکومت آصف‌الدوله با نفوذ شدید کمپانی هند شرقی در ایالت اوده شروع شد و طبق پیمانی که در سال ۱۷۳۳ میلادی به شجاع‌الدوله تحمیل شده بود، متعهد شد که ماهیانه مبلغ ۲۱۰ هزار روپیه به کمپانی بپردازد. آصف‌الدوله تحت نفوذ حاکم انگلیسی بود و انحطاط پادشاهی اوده از دوره وی آغاز گردید.

۱. اولین جنگ میان انگلیس و هند در سال ۱۷۵۷ که زمینه‌ساز آغاز استعمار هند شد.

سیاست متعالیه

- سال ششم
- شماره بیست‌ودوم
- پاییز ۹۷

مناسبات دین‌ودولت
در دوران پادشاهان
شیعی "اوده" هند؛
زمینه‌های تاریخی -
سیاسی، شرایط عینی،
مناسبات عملی
(۱۳۱ تا ۱۴۸)

۵. میرزا وزیر علی خان (۱۲۱۲-۱۲۱۳ ق/ ۱۷۹۷-۱۷۹۸ م). وی فرزند نواب آصف‌التوله بود و به دلیل ضدیت با بریتانیا و نفوذ کمپانی در اوده، توسط "لرد ریچارد ولسلی" - فرمانروای انگلیسی کل هند - از حکومت برکنار شد و به بنارس تبعید گردید (Rizvi, 1986: 78, Abbas).

۶. سعادت علی خان یمین‌التوله (۱۲۱۳-۱۲۳۰ ق/ ۱۷۹۸-۱۸۱۴ م). هدف وی واگذاری حکومت به کمپانی هند شرقی بود و نواحی الحاقی اوده را به انگلیس واگذار کرد و سپاهیان نواب را با ارتش کمپانی جایگزین نمود. در زمان وی، نیمی از سرزمین اوده به کمپانی واگذار شد؛ به طوری که در زمان فرمانروایی "لرد ریچارد ولسلی" بخش مهمی از سرزمین‌های اوده به مستملکات بریتانیا منضم گردید. بدین سان دولت اوده از هرسو، به جز مرزهای نپال، به محاصره‌ی انگلیس درآمد (The Encyclopedia of islam, 1960, vol.1: 757).

پادشاهان اوده

۱. سلطان غازی‌الدین حیدر (۱۲۳۰-۱۲۴۳ ق/ ۱۸۱۴-۱۸۲۷ م). به دلیل ضعف حکومت مرکزی، غازی‌الدین حیدر به تحریک "لرد مویرا" خود را پادشاه اوده خواند و در نهم اکتبر ۱۸۱۹ میلادی به شکل رسمی تاج گذاری کرد. او با تغییر ساختار حکومتی و عزل وزیر پدرش - حکیم مهدی - فردی به نام "آقامیر" را به این مقام منصوب کرد (Abbas Rizvi, 1986: 80). هم‌چنین بعد از اعلام استقلال از امپراتوری دهلی، اقدام به ضرب سکه‌ای به نام "شاه جهان" نمود.

۲. سلطان نصیر‌الدین حیدر (۱۲۴۳-۱۲۵۳ ق/ ۱۸۲۷-۱۸۳۷ م). نصیر‌الدین در توجیه اعمال ضد‌دینی خود، از "سلطان‌العلما" خواست که با صدور فتوایی وی را تأیید نماید؛ اما سلطان‌العلما با خواسته وی مخالفت کرد. شاه، فرمان به توپ بستن خانه‌ی سلطان‌العلما را صادر کرد و فرمانده توپخانه‌ی سلطنت اوده، پس از دریافت دستور، عراده‌های توپ را به سوی قصر سلطنتی و منزل سلطان‌العلما نشانه گرفت. شاه، فرمانده را احضار نمود و از وی دلیل نشانه گرفتن قصر سلطنتی را جویا شد. فرمانده در جواب گفت: برای من پذیرفته نیست که خانه‌ی شاه دین خراب شود و خانه‌ی شاه دنیا باقی بماند؛ از این رو من آماده‌ام که دین و دنیای خود را خراب کنم (شمس، بی تا: ۵۲). از این رو شاه از تصمیم خود منصرف شد. در هر صورت وی جهت مشروعیت بخشی به سلطنت خود،

به طریق فقیهان معتقد نبود؛ هر چند که بیش‌تر علما با وی بیعت کرده بودند (Cole, 1988: 192 Juan Ricardo). وی در سال ۱۸۳۷ میلادی مسموم شد و از دنیا رفت.

۳. ابوالفتح محمدعلی شاه (۱۲۵۳-۱۲۵۸ ق/ ۱۸۳۷-۱۸۴۲ م). به دلیل این که نصیرالدین حیدر فرزندی نداشت، عمومی وی، "محمدعلی شاه" فرزند "سعادت علی خان" به سلطنت رسید. در زمان وی قرارداد جدید نظامی با کمپانی هند شرقی به منظور دفاع از اوده در مقابل خطرات خارجی و داخلی تحمیل شد.

۴. محمد امجد علی شاه (۱۲۶۳-۱۲۵۸ ق/ ۱۸۴۲-۱۸۴۷ م). وی فرزند محمدعلی شاه بود. اولین اقدام امجد علی شاه، انتصاب مفتی شیعه‌مذهب بود و از این‌رو در محاکم، احکام بر اساس موازین تشیع جاری گردید. در زمان وی "سلطان‌العلماء" با تأسیس "محکمه‌ی مرافعه‌ی شرعی" به قضاوت شرعی پرداخت. "جورج کلو" می‌نویسد:

«در بین سلاطین اوده، بیش‌ترین ارتباط و پیوند با علما را امجد علی شاه داشت... او از فجور و فضیحتی که پادشاهان در کاخ‌های خویش مرتکب می‌شوند، پرهیز داشت... حتی در لباسی که جزو اموال حکومتی بود، نماز نمی‌گزارد و لباس ویژه‌اش را با پولی که از مادر می‌گرفت، تهیه می‌کرد» (بی‌نام، ۱۹۹۴: ۴۸).

۵. محمد واجد علی شاه (۱۲۶۳-۱۲۷۲ ق/ ۱۸۴۷-۱۸۵۶ م). وی آخرین پادشاه اوده است که به سلطنت رسید. در زمان وی کمپانی در صدد الحاق تمامی سرزمین اوده به مستعمرات خود شد. واجد علی شاه به دلیل بیماری نتوانست به‌خوبی از عهده‌ی اداره اوده برآید. "لرد دالهوزی" پیشنهاد کرد تا وی حکومت اوده را در مقابل مبلغی پول به کمپانی واگذار نماید. واجد علی شاه از این پیشنهاد استقبال نکرد و در سال ۱۲۷۳ هـ ق/ ۱۸۵۶ م، آخرین سلطان اوده از سوی ارتش انگلیس برکنار شد. کمپانی بسیاری از فعالیت‌های دربار سلاطین اوده را زیر نظر داشت و کنترل می‌کرد. در کتاب "مرات‌الأحوال" آمده است:

«به سبب غرض و خوف... سرداران و کارداران بیش‌تر از سابق به جماعت انگریزیه رجوع می‌کردند و ایشان در آن خانه (دربار اوده) مداخله‌ی کتبی به هم رسانیدند» (آل‌آقا، ۱۳۷۳: ۵۳۰).

اندیشه و عمل سیاسی عالمان شیعی در دوران حکومت اوده

۱. سید دلدار علی نقوی نصیرآبادی (۱۲۳۵-۱۱۶۶ ق/ ۱۸۲۰-۱۷۵۳ م) در نصیرآباد هند متولد شد و نزد پدر خویش مقدمات علوم را به پایان رسانید؛ سپس در عتبات در جرگه‌ی شاگردان وحید بهبهانی، سید بحر العلوم، سید صاحب ریاض و سید شهرستانی درآمد. وی اولین عالم شیعی است که به‌عنوان فقیهی اصولی در هند مشهور می‌شود. مجموعه‌ی "مرات العقول" از مهم‌ترین آثار وی است که در زمینه‌ی اصول اعتقادی شیعه نگارش یافته است. عمده‌ترین تلاش‌های سید دلدار علی مقابله با تصوف و اخباری‌گری بود. فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی وی در قالب قضاوت و برخی مسئولیت‌های اجتماعی مانند نظارت بر امامان جمعه و جماعت بوده است (RIZVI, 2014: 366).

۲. سید محمد بن دلدار علی معروف به "سلطان‌العلما" (۱۲۸۴-۱۱۹۹ ق/ ۱۸۷۷-۱۷۹۴ م) در لکنهو به دنیا آمد و در خدمت سید دلدار به فراگیری علوم مختلف مشغول شد. هنگام تاج‌گذاری پادشاهان، این "سلطان‌العلما" بود که اجازه‌ی تاج‌گذاری می‌داد. چنان‌که در تاریخ اوده نقل شده است امجد علی‌شاه به سید محمد مجتهد گفت: «حق حکومت بیش‌تر با شماست. و سید محمد گفت: شما به‌اعتبار نیابت و جانشینی من حکومت کن» (نجم‌الغنی، ۱۹۷۸: ۱۲۳). اقامه‌ی نماز بر جنازه‌ی مقامات کشوری و نیز برگزاری نماز عید به وی اختصاص داشت (ابوالحسنی مندر، ۱۳۸۳: ۲۶). سلطان‌العلما در دوران سلطنت "محمدعلی‌شاه" به تدوین رساله‌ای درباره‌ی زکات و خمس پرداخت و آن را به شاه ارسال کرد تا بر اساس آن به امور زکات و خمس رسیدگی شود. در نهایت اقدام به تأسیس ادارات خمس و زکات نمود (Abbas Rizvi, 1986: 140). در زمان "امجد علی‌شاه" محکمه‌ی شرع و منصب قضاوت شرعی برعهده‌ی "سلطان‌العلما" نهاده شد (عزیز، ۱۳۶۶: ۳۲). هم‌چنین مبنای صدور رأی قاضیان در سراسر کشور، فتاوی "سلطان‌العلما" قرار گرفت؛ تاجایی که «اخراج زکات از اموال شاهی و تقسیم آن بر مستحقین» نیز در اختیار وی بود (کشمیری، ۱۳۵۵: ۲۶۳). همکاری وسیع "سلطان‌العلما" در قبول مناصبی چون قضاوت دیوان و افتا بر اساس مذهب جعفری، نشان‌گر روابط نزدیک شاهان اوده و علمای شیعی و اهتمام آنان به وجود فقیهان در مناصب قضایی و سیاسی است.

۳. سبحان علی خان بن علی حسین (۱۲۴۶-۱۱۸۰ ق / ۱۸۴۷-۱۷۶۶ م) در امور مختلف حکومتی مشارکت داشته است. در زمان نصیرالدین حیدر عهده‌دار نیابت و وزارت و ناظر و سرپرست روابط سیاسی بین کمپانی و حکومت بوده است (صدرالافاضل، ۱۳۷۶: ۲۸۰).

۴. سید محمد عباس بن علی اکبر جزایری شوشتری (۱۲۲۴-۱۳۰۶ ق / ۱۸۸۹-۱۸۰۹ م). زمانی که امجد علی شاه به سلطنت رسید، شوشتری در ترغیب شاه به ایجاد یک مدرسه‌ی علمی دینی نامه نوشت و توسط فرزند سلطان‌العلماء به دست شاه رساند. امجد علیشاه پیشنهاد وی را پذیرفت و در سال ۱۲۵۹ قمری مدرسه‌ی سلطانیه را به سرپرستی سیدالعلماء تاسیس کرد. وزیر پیشنهاد داد منصب قضا نیز بر مناصب شوشتری افزوده شود؛ پس از رایزنی با استاد و استخاره، وی این منصب را نیز پذیرفت. از این پس تا مدتی به قضاوت و اجرای حدود و احکام شرعی پرداخت. شوشتری پس از سلطه‌ی انگلیسی‌ها هیچ‌گونه منصبی را در حکومت جدید اوده نپذیرفت و همیشه با خاندان "واجد علی شاه" در ارتباط ماند.

۵. سید محمدباقر، فرزند سلطان‌العلماء، با "مامون خان" - مجاهد انقلابی - پیوندی استوار برقرار ساخت و دیگر فرزندان "سلطان‌العلماء" و بستگان جوان وی نیز هر یک به گونه‌ای در کنار حکومت انقلابی و قیام ضد استعماری قرار گرفتند. با استناد به آرشیو اسناد انگلیس مربوط به هند، سید محمد سلطان‌العلماء مستمراً به دیدار حضرت محل (همسر واجد علی شاه) و فرزندش برجیس قدر می‌رفت و شاگردانش را نیز به حضور می‌آورد تا برای پیروزی قیام دعا کنند. حکومت در خانه‌ی سلطان‌العلماء محافظانی گمارده بود که از او و قیام بزرگ او حمایت کنند. سید محمد در تابستان و پاییز ۱۸۵۷ میلادی، که فرزندانش پست‌هایی در حکومت پذیرفته بودند، بارها با سران حکومت دیدار داشت. انگلیسی‌ها نوشته‌اند که سلطان‌العلماء به شاگردان خود اجازه می‌داد که مردم را دعوت به جهاد کنند و خود نیز در خدمت قیام درآیند (J. R. I. Cole, Religion and State in Awadh: 280).

چالش استعمار و هویت جامعه اسلامی هند

ظهور جریان‌های انقلابی در برابر استعمار

سیاست‌های استعماری بریتانیا در تغییر رژیم‌ها و ایجاد اختلاف بین مسلمانان و هندوها - به‌ویژه تفرقه بین مسلمانان - شرایط جدید زندگی سیاسی و اجتماعی

شیعیان را رقم زد. دوره‌ی افول امپراتوری گورکانیان هند تا سال ۱۸۵۷ میلادی باعث شکل‌گیری طبقه‌ی متوسطی از مسلمانان در هند شد. هرچند شیعیان در دوران حکومت امپراتوری گورکانیان هند، تا حدودی برای فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی فرصت داشتند، اما هویت این طبقه با تسلط بریتانیا به‌طور جدی مورد تهدید قرار گرفت. در روند استعمار بریتانیا بر ایالت‌های هند، اروپائیان در درون ساختار اجرائی، جایگاه مسلمانان را در مناصب عالی سیاسی در اختیار گرفتند و اختلافات اساسی به بهانه‌های مختلف بین مسلمانان اعم از شیعه و اهل سنت و هندوها به‌راه افتاد (لاپیدوس، ۱۳۷۶، ج ۲: ۲۱۴).

از دیگر تغییرات اساسی به‌وجودآمده، تغییر نظام دادگاهی و استقرار قوانین جدید برای نهادها و تعاریف جدیدی از جرائم بود. "بوین" معتقد است بریتانیا از دادگاه‌ها برای کنترل آنان مطابق قوانین کمپانی هند شرقی استفاده کرده است (BOIVIN, 2014: 387). به‌رغم سازگاری نخبگان سیاسی مسلمان با سقوط امپراتوری گورکانیان هند، برخی از رهبران مذهبی به اندیشه و عمل دیگری ملتزم شدند. تأکید آنان بر اتکای به اصول جهانی اسلام، عامل اقدامات انقلابی شد.

۱. رویکرد انقلابی علمای اهل تسنن در برابر استعمار

روند استعمار در هند باعث شد که قوم "مراتھے" بر دهلی مسلط گردند و شاه تیموری دست‌نشانده آنان شود. در این هنگام، جنبش "شاه ولی‌الله دهلوی" در پاسخ به این تحوّل به‌منظور بازنمایی هویت اسلامی با مبنای اهل سنت، بازیابی تفوق سیاسی و نجات مسلمانان از ستم مراتھے‌ها به‌وجود آمد (اسعدی، ۱۳۶۹، ج ۲: ۱۴۵). وی علت واقعی شکست امپراتوری گورکانیان هند را فساد اخلاقی و مذهبی می‌داند. بر این اساس شاه عبدالعزیز دهلوی (۱۱۵۹-۱۲۳۹ ق) ضمن فتوایی، هند را دارالحرب خواند؛ وی معتقد بود پاسخ حاکمیت بریتانیا آن است که مسلمانان به جهاد با کافران برخیزند (لاپیدوس، ۱۳۷۶، ج ۲: ۲۱۶). در این فتوا جهاد را بر همه‌ی زنان و مردان واجب دانست و اعلام کرد:

«کشور اسلامی هند، با تسلط و سیطره‌ی انگلیسی‌ها به دارالحرب تبدیل یافته، لذا بر همه‌ی مردان و زنان مسلمان واجب است که آن‌قدر با آن‌ها بچنگند و آن‌چنان روابط دوستانه‌ی خود را با آن‌ها قطع کنند که ناگزیر از هندوستان خارج شوند؛ زیرا انگلیسی‌ها دشمن محارب مسلمانانند» (خامنه‌ای، ۱۳۴۷: ۱۵۶).

۲. رویکرد انقلابی علمای شیعه در برابر استعمار و اعلام جهاد

بعد از عزل واجد علی‌شاه (۱۲۶۳-۱۲۷۲ ق) آخرین پادشاه اوده توسط کمپانی، برجیس قدر، فرزند ۱۰ ساله‌ی واجد علی‌شاه به‌عنوان نواب امپراتور بر تخت سلطنت نشاندند. حمایت‌های بیگم حضرت محل (همسر واجد علی‌شاه) و تلاشش در قیام استقلال، عامل مهمی در استمرار قیام بود. "ویلیام هوارد راسل" معتقد است این زن تمامی اوده را برای حمایت از سلطنت پسرش تهییج و جنگی تمام‌ناشدنی را علیه بریتانیا اعلام کرد (ابوالحسنی مندر، ۱۳۸۳: ۱۳۵). در پی اشغال نظامی لکنهو، سلطان‌العلماء (۱۱۹۹-۱۲۸۴ ق) ضمن فتوایی اعلام کرد که مسلمانان باید از کیان و ناموس خود دفاع نمایند. در متن فتوا مبارزه با استعمار به‌وضوح اعلام شده است:

«بر حکام عصر طبق حکم شرع، دفع شرّ کفار از اهل ایمان و اسلام و اجرای حدود بر محاربین مشرک و قصاص خون مسلمانان واجب است» (ضابطه، ۱۳۸۴: ۹۹).

چالش نظام امامت و خلافت - رویکرد اصلاحی شیعی

شکست و انحطاط امپراتوری گورکانیان پرسش جدی‌ای را برای جامعه‌ی مسلمانان به‌وجود آورد؛ این دغدغه‌ها عبارت بودند از: امکان ادامه‌ی روش زندگی اسلامی، شناسایی نظام بدیل گورکانیان هندی، آموزش‌های سیاسی برای ساختاربنده‌ی مجتهد، سازوکار تعامل با حاکمیت بریتانیا؛ و از همه مهم‌تر این پرسش بود که: "چگونه شریعت اسلامی احیا می‌شود؟"

مهم‌ترین پاسخ، معتقد به دفاع از اسلام، به‌ویژه نظریه‌ی امامت و جلوگیری از سیاست تفرقه‌ی بریتانیا بود که توسط علمای شیعه در ایالت اوده و شهر لکنهو متمرکز بود (لکزایی، ابوصالح، ۱۳۹۶: ۱۰۰). هم‌چنین مسأله‌ی مهم این دوره، اقدامات عملی برخی از نخبگان در دامن زدن به تفرقه بین مسلمانان در زیر سایه‌ی استعمار بود (BOIVIN, 2014: 385).

در آغاز شکل‌گیری حکومت شیعی اوده، بسیاری از غیرشیعیان مناصب دولتی را در اختیار گرفته و علمای شیعه از وحدت شیعه و سنی در برابر هندوها حمایت می‌کردند. با این حال بسیاری از علمای اهل‌تسنن از حاکمیت شیعیان ناراضی بودند و تمایلی به اتحاد نداشتند. تنش‌های شکل‌گرفته به میدان مبارزه‌ی

سیاست متعالیه

- سال ششم
- شماره بیست‌ودوم
- پاییز ۹۷

مناسبات دین‌ودولت
در دوران پادشاهان
شیعی "اوده" هند؛
زمینه‌های تاریخی -
سیاسی، شرایط عینی،
مناسبات عملی
(۱۳۱ تا ۱۴۸)

میان اوده و دهلی تبدیل شد. مجادلات علمی جای خود را به تنش‌های اجتماعی داد و تألیفات جدلی و استدلالی به رویه‌ای بزرگ در اوده تبدیل گردید. سید دلدار علی نصیرآبادی (۱۲۳۵-۱۱۶۶ق) با رویکرد هم‌گرایی اعلام کرد که اهل سنت با شیعه بر اساس قانون برابرند. وی بین اهل سنتی که قائل به خلافت حضرت علی(ع) در کنار سایر خلفا بودند با کسانی که ناصبی بودند، تمایز قائل شد (RIZVI, 2014: 372). در مقابل، شاه عبدالعزیز (۱۱۵۹-۱۲۳۹ق) ازدواج با شیعه را حرام کرد و شیعه را مرتد دانست. در هر صورت برخی از نخبگان اهل سنت به‌عنوان یک قدرت اقتصادی در درون دربار اوده حضور داشتند.

تمامی تلاش‌های شاه ولی‌الله (۱۱۱۴-۱۱۷۶ق) معطوف به اتحاد فرق اهل سنت بود، اما شیعه را جزو حقیقی جهان اسلام نمی‌دانست و در این راستا به ضدیت با تشیع می‌پرداخت؛ وی علی‌رغم تلاش برای ایجاد اتحاد میان اهل سنت، به جدال میان آنان و تشیع همت می‌گمارد. دلیل این اقدام وی، عدم دخالت کمپانی هند شرقی در حوزه‌ی شریعت اسلامی در زمینه‌ی دعاوی بود (هاردی، ۱۳۸۶: ۷۶). اندیشه‌های شاه ولی‌الله، سرچشمه‌ی بسیاری از حرکت‌های بنیادگرا، اهل حدیث، نوگرا و اصلاحی در هند بوده است (موثقی، ۱۳۷۴: ۱۸۹).

بعد از شاه ولی‌الله، شاه عبدالعزیز تأثیر عمیقی بر اندیشه‌ی دینی داشت. شاخصه‌ی مهم شاه عبدالعزیز، نقش دوگانه‌ی وی در نهضت سیاسی-فکری هند است. وی از یک سو به مبارزه‌ی شدید علیه استعمار و حاکمیت بریتانیا پرداخت؛ و از سوی دیگر اقدامات وسیعی علیه تشیع انجام داد (جلالی، ۱۳۸۶: ۱۱۳). شاه عبدالعزیز علی‌رغم اقدامات علیه استعمار بریتانیا و با عمیق‌تر شدن اختلافات اهل سنت و تشیع، به تلاش‌های ضد شیعی ادامه داد و در مقام رهبر محدثان هند و فردی اصلاح‌گرا، کتاب‌هایی علیه شیعه نوشت. در کتاب "تحفه‌ی اثنی عشریه" با اعلام نگرانی از رشد شیعه در هند می‌گوید:

«این رساله، تحفه اثنی عشریه نام نهاده شده... غرض از تسویه‌ی این رساله و تحریر این مقاله آن است که در این بلاد که ما ساکن آن هستیم، و در این زمان که ما در آن هستیم، رواج مذهب اثنی عشریه و شیوع آن به‌حالی اتفاق افتاده که کم‌نخانه‌ای باشد که یک یا دو کس از آن نخانه به آن مذهب متمذهب نباشند و راغب به این اندیشه نشوند» (موثقی، ۱۳۷۸: ۹).

سیاست متعالیه

- سال ششم
- شماره بیست و دوم
- پاییز ۹۷

مناسبات دین و دولت
در دوران پادشاهان
شیعی "اوده" هند؛
زمینه‌های تاریخی -
سیاسی، شرایط عینی،
مناسبات عملی
(۱۳۱ تا ۱۴۸)

وی هیچ‌گاه از مخالفت با شیعه منصرف نشد و شیعه را همانند استعمار خارجی دشمن اسلام و جامعه‌ی اسلامی می‌دانست. در مقابل، کسانی مانند مفتی سید محمدقلی کنتوری (۱۱۷۴-۱۲۴۸ ق) و علامه میر حامد حسین هندی (۱۲۴۶-۱۳۰۶ ق) با رویکرد اصلاحی به ردّ مبانی اندیشه‌ی خلافت اقدام کردند. مجموعه‌ی "عَبَقَاتُ الْأَنْوَارِ"، در ردّ باب هفتم کتاب تحفه‌ی اثنی‌عشریه‌ی شاه عبدالعزیز نوشته شده است. شیوه‌ای که در آن میرحامد حسین با استناد به منابع اصیل اهل سنت و تطبیق و یا مقایسه‌ی آن با منابع روایی و نقلی شیعه، به اثبات امامت و ردّ خلافت می‌پردازد (لک‌زایی، ابوصالح، ۱۳۹۶: ۱۰۱). ادّله‌ای که اندیشه‌ی امامت شیعی در توجیه اصل استواری و قدرت ساختار معرفتی خود، آیات و روایات مذکور را مستمسک قرار می‌دهد، ولی در اثبات اصول عقاید خود به منابع اهل سنت نیز تأکید می‌کند. این امر از سویی به نظریه‌ی امامت امکان گفت‌وگو با نظریه‌ی خلافت را داد؛ و از سوی دیگر با ردّ عمل به احادیث و روایاتی که از غیر ائمه‌ی اطهار (ع) وارد شده بود، سلامت فرایند بنیان‌گذاری ساختار معرفتی مورد عمل خود را تضمین کرد.

مناسبات نظام سلطانی و رفتار علمای شیعی

از زمان تاج‌گذاری هفتمین نواب وزیر اوده، به تدریج نفوذ علما در دربار اوده افزایش یافت؛ لذا علمای شیعی به ایجاد جامعه‌ای بر اساس اصول تشیع همت گماشتند. حضور علما در دربار و اقدامات آن‌ها در مقابله با استعمار مانعی در برابر چپاول منابع عظیم اوده بود.

تاج‌گذاری "غازی‌الدین حیدر" در عید غدیر سال ۱۲۳۴ هجری قمری، نمایی از قدرت شیعه و استقلال سیاسی در شمال هند در مقابل امپراتوری و استعمار انگلیس به‌شمار می‌رود. وی معتقد بود حکومت در دست او جائز نیست و باید مجتهد حکومت کند؛ لذا سلطنت را به سلطان‌العلما واگذار کرد و گفت:

«شما مجتهد زمان ما هستید و بیشتر اهلیت دارید که بر ما حکومت کنید. سید محمد نیز تخت و تاج را به او واگذار کرد و گفت: طوری حکومت کن که اسلام می‌خواهد» (نجم‌الغنی، ۱۹۷۸: ۳۹).

مهم‌ترین اتفاق در مراسم تاج‌گذاری، اعطای تاج پادشاهی توسط علما به پادشاه بود که این مطلب را نشان می‌داد که شاه، سلطنت را با اجازه‌ی فقیه

به دست آورده است (کشمیری، ۱۳۵۵: ۲۵۳). این امر برای انگلیس قابل تحمل نبود و سه سال بعد، نماینده‌ی انگلیس در اوده اعلام کرد که شاه باید شخصاً تاج را بر سر خویش بگذارد. مراسم تاج‌گذاری شاه تکرار شد و "ریکیتس"، نماینده‌ی انگلیس تاج را بر سر پادشاه نهاد (J.R.I. Cole, 1988: 176). امجد علی‌شاه نیز اعلام کرد که حکومت اوده را تحویل "سلطان‌العلماء" می‌دهد؛ زیرا حاکم واقعی امام مهدی (ع) اوست و در عصر غیبت آن حضرت، "سلطان‌العلماء" به‌عنوان فقیه برجسته و نایب امام زمان و ولیّ و حاکم می‌باشد. سلطان‌العلماء نیز در حکمی "امجد علی‌شاه" را به‌عنوان نایب خود منصوب کرد (ضابط، ۱۳۸۴: ۳۳).

از ویژگی‌های پادشاهان اوده، حمایت آنان از علمای شیعه در ترویج شعائر شیعی بوده است. شهید مطهری می‌نویسد:

«...تمام رجال مذهبی و سیاسی این دسته از ملوک هند، خراسانی بودند. سادات تقوی که نیشابوری هستند، در زمان پادشاهان اوده به هند رفته‌اند. مرحوم میرحامد حسین نیشابوری صاحب "عبقات‌الانوار" در تحت حمایت این پادشاهان فعالیت می‌کرد» (مطهری، ۱۳۸۵: ۳۹۲).

"جان هالیستر" به نمونه‌هایی از پیوند دین و دولت در زمان پادشاهی سلاطین شیعه در هند اشاره کرده است که یک نمونه از آن را نقل می‌کنیم:

«خزانه‌ی مملکت در زمان واجدعلی تهی شده بود. بنابر احکام شرع، پرداخت زکات فقط در صورت نداشتن قرض واجب است و این حکم در مورد افراد و دولت جاری است؛ از این رو چون دولت مدیون بود، واجدعلی نیز که از خزانه‌ی دولت استفاده می‌کرد، زکات نمی‌پرداخت. در زمان امجدعلی وضع به‌صورت دیگر بود؛ بدین معنی که چون دولت مدیون نبود، پادشاه از خزانه‌ی دولت زکات می‌داد. مجتهدی بود که این وجوه را به او می‌پرداختند و وزرا و نزدیکان دربار این رسم را می‌پسندیدند و شاه نیز تسلیم خواسته‌ی آنها گردید» (هالیستر، ۱۳۶۳: ۱۸۵).

رویکرد عملی علمای شیعه در قبال پادشاهان اوده

مطالعه‌ی رفتار سیاسی علمای شیعی در دوران پادشاهی شیعی در اوده بیان‌گر

رویکرد سیاسی اصلاحی است. رویکرد اصلاحی علما به معنای ضرورت رعایت صلاح جامعه‌ی اسلامی و رعایت اصل "نفی سبیل" در مقابل استعمار است. رفتار اصلاحی علما مبتنی بر اقتضائات زمانی نشان‌گر تعامل با سلطنت بود و به معنای مشروعیت‌بخشیدن به نظام سلطنت شیعی نیست (لک‌زایی، ۱۳۸۶: ۵۷). بر اساس اندیشه‌ی سیاسی شیعه، حکومت و سلطنت از آن معصوم است و در دوران غیبت، سلطان مأذون می‌تواند اداره‌ی جامعه را بر عهده داشته باشد؛ لیکن این امر باید زیر نظر یک فقیه مجتهد صورت گیرد (چنانچه در مراسم تاج‌گذاری غازی‌الدین حیدر و واجدعلی‌شاه این اتفاق روی می‌دهد). در مقابل، رفتار سیاسی برخی از علمای معاصر دوران سلطنت در اوده، حاکی از عزلت سیاسی آنان و عدم موافقت با رفتارهای نظام سلطنت بوده است (لک‌زایی، ابوصالح، ۱۳۹۶: ۱۱۳).

حضور علمای شیعه در سازمان حکومتی اوده در دهه‌ی ۱۸۴۰ میلادی، تهدیدی جدی بر سلطه‌ی فزاینده‌ی سیاسی و اقتصادی انگلیس بود؛ چراکه حضور علما در دستگاه قضایی، آنان را با کمپانی درگیر می‌ساخت. کنسول انگلیس در شهر لکهنو، در امور داخلی آن کشور هم‌چون عزل و نصب وزرا و برخی دعاوی و محاکمات دخالت می‌کرد؛ لذا این دخالت‌ها و اعمال نظرها با مخالفت علما روبه‌رو می‌شد (بی‌نام، ۱۹۹۴: ۹۱).

حکومت اوده در دهه‌ی ۱۸۴۰ و ۱۸۵۰ میلادی، بر ضد مطالبات فزاینده و سلطه‌جویانه‌ی انگلیس دست به انقلاب زد و علمای شیعه که در دستگاه قضا شاغل بودند و یا وکالت بزرگان منطقه را به عهده داشتند نیز در این کشاکش، جانب حکومت را گرفته و کوشیدند از سیطره‌ی نماینده‌ی انگلیسی در شهر لکهنو و دخالت‌های آنان رهایی یابند. اصرار علما بر اجرای قوانین حقوقی شیعه در حل و فصل امور، از جمله عواملی بود که درگیری‌هایی بین آنها و نمایندگان مقیم بریتانیا ایجاد کرد.

نتیجه‌گیری

مهم‌ترین چالش تشیع، تهاجمی بود که خارج از جهان اسلام و به منظور استحاله‌ی مسلمانان توسط غرب و در قالب استعمار بروز کرد. تمایل استعمار به تسلط بر منابع عظیم کشورهای اسلامی نتوانست چهره‌ی واقعی آنان در راستای مبارزه با اندیشه‌ی اسلامی را پپوشاند. تلاش در جهت سقوط دولت‌های اسلامی،

به‌ویژه شبه قاره‌ی هند، نمونه‌ی بارز این حرکت تدریجی است. سقوط دولت اسلامی گورکانیان و به‌دنبال آن تلاش شیعیان هند در جهت تأسیس کشوری شیعی که بر مبانی اندیشه‌ی امامت شیعی استوار باشد، استعمار غرب را به مقابله واداشت. اقدامات عملی کشورهای استعمارگر با هدف نفوذ و کنترل بر پادشاهی شیعی در منطقه‌ی اوده، با تهاجم علمی و حمله به ارکان اعتقادات شیعی همراه شد. تلاش برخی از اندیشمندان اهل سنت برای مبارزه با شیعه در قالب نگارش رده‌هایی بر اندیشه‌ی شیعی ظهور یافت و افرادی مانند: نصرالله کابلی، شاه ولی‌الله و شاه عبدالعزیز دهلوی به نگارش آثاری در ایجاد شبهه و رده‌مکتب تشیع همت گماردند.

در طول تاریخ گسترش تشیع در شبه قاره‌ی هند، با دو دسته از عالمان شیعی مواجه هستیم که هر کدام به روشی با نفوذ استعمار و هجمه‌های درون‌دینی‌ای که در قالب: تصوف، اخباری‌گری و تکفیری دسته‌بندی می‌شدند، به مقابله پرداختند. عالمانی مانند سید محمد سلطان‌العلماء، با ورود در دربار پادشاهان شیعی اوده، هم به مبارزه با مخالفان شیعه و هم به ترسیم رویکرد اصلاحی در جهت استفاده از ظرفیت‌های حکومت شیعی اوده به‌منظور اجرای آموزه‌ی دینی اقدام کردند؛ از سویی دیگر نیز عالمانی مانند علامه میرحامد حسین به دفاع از کیان اعتقادی شیعه در میدان علم و مناظرات علمی همت گماردند.

حضور برخی از علما در دربار اوده و اعتقاد آنان به نیابت علما از امام معصوم و تاج‌گذاری به‌وسیله‌ی علما و حتی ادعای واگذاری حکومت به آنان، نشان‌گر هم‌گرایی و همکاری نهاد سلطنت و سیاست دینی است. مطالعه‌ی مکاتبات و قبول برخی از مناصب توسط علما در دربار پادشاهان اوده، تأیید این مطلب است که علما، تصدی رهبری سیاسی و اجتماعی جامعه‌ی شیعی را به دلایل عقلی و نقلی منحصر در معصوم و نائب از معصوم می‌دانستند. هم‌چنین عدم پابندی شاهان به اصول سیاسی اسلام و تأثیرپذیری از استعمار بریتانیا را نمی‌پذیرفتند. آنان بر اساس مصالح زمانه، اعم از هجمه‌های داخلی و نفوذ بیگانگان و هم‌چنین عدم آگاهی توده‌های مردم، امر رهبری جامعه را به پادشاهان واگذار کرده‌اند. با این وجود، در مراحل مختلف، اعم از گسترش معارف شیعی، مبارزه با عقاید انحرافی و مقابله با نفوذ بیگانگان، در جهت تسدید حکومت گام برداشته‌اند.

سیاست متعالیه

- سال ششم
 - شماره بیست و دوم
 - پاییز ۹۷
- مناسبات دین و دولت
در دوران پادشاهان
شیعی "اوده" هند؛
زمینه‌های تاریخی -
سیاسی، شرایط عینی،
مناسبات عملی
(۱۳۱ تا ۱۴۸)

۱. ابوالحسنی (منذر)، علی (۱۳۸۳). "موقوفه اود؛ ریشه و روند تاریخی" در: زمانه، سال سوم، شماره ۲۰.
۲. ابوالحسنی، علی (۱۳۸۳). تراز سیاست. تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
۳. احمد، عزیز (۱۳۶۶). تفکر اسلامی در هند. ترجمه: نقی لطفی. تهران: انتشارات کیهان.
۴. اسعدی، مرتضی (۱۳۶۹). جهان اسلام: بنگلادش، پاکستان، ترکیه. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۵. آل آقا، احمد بن محمد علی (۱۳۷۳). مرات الاحوال جهان نما. قم: انصاریان.
۶. باسورث، کلیفورد ادموند (۱۳۸۱). سلسله‌های اسلامی جدید. ترجمه: فریدون بدره‌ای. تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
۷. بی‌نام (۱۹۹۴). "مملکت شیعی اود در هند" در: الموسم، شماره ۲۰.
۸. پاچسکی، گرت (۱۳۵۲). سفیدپوستان چه‌ها کردند. ترجمه: محمدحسین حجازی. تهران: توس.
۹. جعفریان، رسول (۱۳۸۷). اطلس شیعه. تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
۱۰. جلالی، سید لطف‌الله (۱۳۸۶). تاریخ و عقاید ماتریدیه. قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
۱۱. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۴۷). مسلمانان در نهضت آزادی هندوستان. تهران: انتشارات آسیا (چاپ دوم).
۱۲. خان رامپوری، محمد نجم الغنی (۱۹۷۸). تاریخ اوده. کراچی: نفیس اکیدمی.
۱۳. رضوی، اطهر عباس (۱۳۷۶). شیعه در هند. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۱۴. صدرالافاضل، سیدمرتضی (۱۳۷۶). مطلع الانوار. مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.
۱۵. ضابط، حیدررضا (۱۳۸۴). "نقش علمای مهاجر ایرانی در ترویج تشیع در لکهنوی هند" در: مشکات، شماره ۸۷.
۱۶. فرمانیان، مهدی (۱۳۸۲). "شبه قاره هند؛ دیوبندی، بریلویه و وهابیت" در: ماهنامه طلوع، دوره اول، شماره ۶.
۱۷. قمی، عباس (۱۳۲۷). فوائد الرضویه. تهران: علم و صنعت.
۱۸. کشمیری، محمد مهدی (۱۳۵۵). تکمله نجوم السماء. قم: نشر بصیرتی.
۱۹. _____ (۱۳۵۵). تکمله نجوم السماء. قم: نشر بصیرتی.
۲۰. کشمیری، محمد علی (۱۳۹۴ ق). نجوم السماء. ترجمه: هاشم محدث. قم: نشر بصیرتی.
۲۱. لاییدوس، ایرا - ماروین (۱۳۸۱). تاریخ جوامع اسلامی. ترجمه: علی بختیاری‌زاده. تهران: انتشارات اطلاعات.

۲۲. لکزایی، نجف (۱۳۸۶). چالش سیاست دینی و نظم سلطانی. قم: انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی (چاپ دوم).
۲۳. لکزایی، نجف و سیدحسین ابوصالح (۱۳۹۶). "درآمدی بر اندیشه کلامی-سیاسی علامه میرحامد حسین هندی" در: فصلنامه سیاست متعالیه، شماره ۱۷.
۲۴. مدیرشانه‌چی، محسن (۱۳۷۶). تاریخ جوامع اسلامی. مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس.
۲۵. مدرس تبریزی، محمدعلی (۱۳۴۹). ریحانه‌الادب. تهران: خیام.
۲۶. مطهری، مرتضی (۱۳۸۵). خدمات متقابل اسلام و ایران. تهران: انتشارات صدرا (چاپ سی و دوم).
۲۷. منظور الاجداد، محمدحسین (۱۳۸۸). "استعمار انگلیس و حکومت شیعی اود" در: فصلنامه شیعه‌شناسی، سال هفتم، شماره ۲۷.
۲۸. موقتی، سید احمد (۱۳۷۴). جنبش‌های اسلامی معاصر. تهران: انتشارات سمت.
۲۹. _____ (۱۳۷۸). اندیشه و استراتژی وحدت در شبه قاره هند. تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی (چاپ دوم).
۳۰. میر شریفی، سیدعلی (۱۳۸۷). هندوستانی که من دیدم. قم: دلیل ما (چاپ دوم).
۳۱. هاردی، پیتر (۱۳۶۹). مسلمانان هند بریتانیا. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۳۲. هالیستر، جان (۱۳۷۳). تشیع در هند. ترجمه: آرمیدخت مشایخ فریدنی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
33. BOIVIN, M. (2014). The Isma 'ili - Isna 'Ashari Divide Among the Khojas: Exploring Forgotten Judicial Data from Karachi. Journal of the Royal Asiatic Society, 24(3), 381-396. doi:10.1017/S1356186314000224.
34. Cole, J.R.I. Roots of North Indian Shi'ism in Iran and Iraq: Religion and State in Awadh, 1722-1859. Berkeley: University of California Press, c1988.
35. RIZVI, S. (2014). Faith Deployed for a New Shi' i Polity in India: The Theology of Sayyid Dildar 'Ali Nasirabadi. Journal of the Royal Asiatic Society, 24(3), 363-380. doi:10.1017/S1356186314000303.
36. Sayyid Athar Abbas Rizvi, a Socio-Intellectual History of the Isna Ashari Shi' is in India, Marifat publishing house, Canberra, c1986.
37. The Encyclopedia of Islam.